

روند صلح در خاورمیانه؛ موانع و چالش‌ها

پس از گذشت 18 سال از آغاز مذاکرات صلح خاورمیانه در مادرید و امضای توافقنامه‌های مختلف و مذاکرات طولانی و تعیین نمایندگان پیگیری کننده صلح، میانجیگری‌های مختلف، ارائه طرح‌های گوناگون، مذاکرات پی‌درپی و میانجیگری‌های مختلف، طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناظران به این نتیجه می‌رسند که امید برای دست یافتن به یک صلح با ثبات در منطقه در حال کم‌رنگ شدن می‌باشد و بی‌نتیجه بودن مذاکرات صلح حتی برای سازشکاران عرب نیز به اثبات می‌رسد. از اشغال فلسطین و تأسیس رژیم اشغالگر قدس همیشه مسأله صلح اعراب و اسرائیل مورد توجه بوده است. اما اکنون بعد از سال‌ها مذاکره به ویژه بعد از کنفرانس مادرید مشخص گردیده است که به‌رغم تلاش‌های زیادی که صورت گرفته این مذاکرات راه به جایی نخواهد برد و حتی طرفداران پر و پا قرص روند صلح نیز امید خود را برای دست یافتن به راه‌حلی در مذاکره از دست داده‌اند به طوری که فردی مانند صائب عربیات مذاکره کننده ارشد فلسطینی با رژیم اشغالگر قدس در 24 آبان‌ماه 1388 اعلام نمود به علت عدم پیشرفت مذاکرات صلح، فلسطینیان خواستار به رسمیت شناخته شدن مستقل فلسطین توسط سازمان ملل خواهند شد. این اظهارات را می‌توان اعتراف صریح به بی‌نتیجه بودن مذاکرات 18 ساله برای صلح به حساب آورد. حال با این مقدمه باید به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که موانع اصلی صلح خاورمیانه کدامند؟

3. عدم طرفداری قدرت‌های بزرگ بین‌المللی از یک طرف در مقابل طرف دیگر یا ایجاد توازن در طرفداری قدرت‌های بین‌المللی به طوری که باعث می‌شود توازن دوجانبه در حمایت بین‌المللی به وجود بیاید،

4. تمایل کشورهای قدرتمند جهان برای حل و فصل سیاسی این بحران‌ها.

با نگاهی عمیق‌تر به مسأله خاورمیانه متوجه می‌شویم عناصر لازم فوق برای حل و فصل سیاسی حقیقی که به صلح مطلوب منجر گردد وجود ندارد و شرایط فوق برای حل و فصل صلح‌آمیز مسأله خاورمیانه موجود نمی‌باشد. بعضی از نمونه‌ها که این مدعا را تأیید می‌نمایند می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

برای برقراری صلح فراگیر، عادلانه و دائم، شرایطی لازم است از جمله این که از نظر داخلی مرزها مشخص باشد و مردم از حقوق خود برخوردار باشند. طبق مطالعاتی که انجام شده است برای حل و فصل بعضی از درگیری‌ها مانند بوسنی، ایرلند و کوزوو که به صلح منجر گردید حداقل شرایط جهت ایجاد صلح موجود بود. از این رو برای حل و فصل صلح‌آمیز مناقشات حداقل شرایطی لازم است از جمله این عوامل را می‌توان به شرح زیر بر شمرد:

1. اعتراف دو طرف درگیری به محال بودن حل و فصل از طریق نظامی،
2. وجود رهبران سیاسی که آمادگی حل و فصل سیاسی را داشته باشند،



1. هنوز رژیم صهیونیستی اسرائیل معتقد است با قدرت نظامی می‌تواند مشکل موجودیت و مشروعیت خود را حل و فصل نماید به طور نمونه سر لشکر عاموس یادلین رئیس ضد اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی در تاریخ 26 آذر اعلام نمود سال 2009 امن‌ترین سال برای اسرائیل طی چند دهه گذشته بوده است زیرا در این سال هیچ اسرائیلی (چه نظامی و چه غیرنظامی کشته نشده است) و دلیل آن این بوده است که حزب الله و گروه‌های فلسطینی به این نتیجه رسیده‌اند که باید بهای زیادی را برای آسیب‌رساندن به اسرائیلی‌ها بپردازند. معنی این حرف این است که اسرائیل هنوز معتقد به راه‌حل نظامی و خشونت‌آمیز می‌باشد. ضمناً رهبرانی که طی سال‌های اخیر در رژیم اسرائیل به قدرت رسیده‌اند به خصوص بعد از معاهده کمپ دیوید (بین مصر و اسرائیل) و معاهده صلح اردن و اسرائیل رهبرانی می‌باشند که معتقدند برای حل و فصل مشکل با فلسطین باید از قدرت نظامی استفاده نمود.

2. هنوز رهبران سیاسی اسرائیل معتقد به حل و فصل بحران از طریق سیاسی نمی‌باشند و شاید بتوان اسحاق رابین را آخرین فردی در رهبران رژیم صهیونیستی به حساب آورد که تا حدودی معتقد به حل و فصل سیاسی مرحله‌ای بود.

3. کشورهای غربی به خصوص آمریکا از یک طرف درگیری به حساب طرف دیگر حمایت می‌نماید. به طوری که سازشکارترین شخصیت‌ها و گروه‌های فلسطینی و حتی ناظران بی طرف به حمایت بی چون و چرای آمریکا از اسرائیل در برابر فلسطینی‌ها اعتراف می‌نمایند و این مسأله را یکی از موانع صلح می‌دانند. لذا ایالات متحده آمریکا در این خصوص مسؤول می‌باشد زیرا آمریکا طی ده‌ها سال با اسرائیلی‌ها در قتل و عام مردم فلسطین همکاری و حداقل طی بیش از نیم قرن بدون قید و شرط

از رژیم اسرائیل حمایت اخلاقی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی نموده است و در حال حاضر آمریکا وظیفه دارد برای ایجاد تعادل و دستیابی به یک راه‌حل عادلانه صلح‌آمیز نسبت به تعدیل سیاست‌های خود اقدام نماید اما امیدهایی که بعد از به قدرت رسیدن اوباما به دست آمد نیز بتدریج از بین رفت.

4. عدم تمایل آمریکا برای حل و فصل سیاسی و عادلانه قضیه خاورمیانه.

موانع شکلی روند سازش چه می‌باشند؟

روند صلح خاورمیانه از نظر شکلی با مشکلات زیر مواجه می‌باشد:

1- مراجع

به جای اینکه مرجع حل و فصل مسأله فلسطین یک سازمان بین‌المللی مانند سازمان ملل باشد. آمریکا نقش عمده را در این رابطه بر عهده گرفته است و کنفرانس‌های بین‌المللی در این خصوص تشکیل می‌دهد و با قدرتی که دارد کشورهای عربی را نیز به پیروی از سیاست‌های خود می‌کشاند بدیهی است با توجه به راهبرد آمریکا این کشور به عنوان حامی رژیم صهیونیستی و کشوری که به عنوان واسطه و مرجع حل و فصل بحران مطرح است به عنوان مهمترین حامی رژیم صهیونیستی نیز به حساب می‌آید و این مهمترین اشکال بر روند صلح به حساب می‌آید.

2- مبانی

اساس صلح خاورمیانه بر اساس دو قطعنامه سازمان ملل یعنی قطعنامه‌های 242 و 338 شورای امنیت که طرفین را به گفتگو تشویق نموده است می‌باشد و اشغال سرزمین‌های دیگران بر اساس زور را غیر مشروع و خواستار خروج اشغالگران از سرزمین‌های اشغالی 1967 گردیده، امنیت تمام کشورهای منطقه را خواستار شده و راه‌حلی برای مشکل پناهندگان درخواست نموده است. اما



اجرای این قطعنامه از روز اول صدور در پائیز سال 1967 با مشکل روبرو بوده است. در این خصوص نیز آمریکا به این قطعنامه توجه لازم را نشان نداد بلکه تفسیر صهیونیست‌ها در این خصوص را مورد توجه قرار داده و مانع مذاکره اعراب به صورت دسته‌جمعی با رژیم صهیونیستی گردیده است.

3 - طرف‌های درگیر

آمریکا در اینجا نیز با فشار به کشورهای عربی به آنها قبولانده است که هرکدام به طور مستقل با رژیم اسرائیل وارد مذاکره شوند تا اینکه اسرائیل از موضع قدرت توانایی مانور بیشتری داشته باشد.

4 - مسیر و روند معکوس

آمریکا برای گام برداشتن واقعی برای صلح نیز دست رژیم صهیونیستی را باز گذاشته است تا موضوعات قدس، شهرک‌سازی، پناهندگان و مرزها را به تأخیر اندازد و در این خصوص به هیچ‌کس پاسخگو نباشد.

موانع ماهوی

علاوه بر موارد فوق که می‌توان آنها را از موانع شکلی برای تحقق صلح در خاورمیانه به حساب آورد، بحران خاورمیانه دارای موانع مهم دیگری می‌باشد که رسیدن به هرگونه صلحی را در آینده با چالش مواجه می‌نماید:

1. اختلافات ایدئولوژیک

یکی از موانع صلح خاورمیانه که طی چند سال اخیر نمایان شده است رنگ دینی گرفتن موضوع است در حالی که سال‌ها صهیونیست‌ها تلاش می‌کردند مودیانه آن را پنهان نمایند. طی سال‌های اولیه اشغال فلسطین صهیونیست‌ها، خود را لائیک معرفی می‌کردند اما طی چند سال گذشته بحران خاورمیانه رنگ دینی نیز گرفته است و بدون شک اختلافات مذهبی دینی از این نوع به راحتی و با پیمان صلح قابل حل و فصل نمی‌باشد. اخیراً

رژیم اسرائیل آشکارا بر یهودی بودن کشور و اینکه بیت‌المقدس پایتخت ابدی این رژیم است تأکید می‌نماید و حتی برای اولین بار ایجاد دولت یهودی با قدرت بیان گردید در تاریخ 17 آذرماه 1388 وزیر دادگستری رژیم اسرائیل به نام یعقوب نئیمان خواهان این شد که قوانین دینی جایگزین قوانین عرفی در اسرائیل شود وی بر این نکته تأکید نمود که باید سعی کنیم میراث نیاکان اسرائیلی‌ها حفظ شود و قوانین تورات باید برای شهروندان اسرائیل لازم‌الاجرا شود زیرا تورات راه‌حل‌های کاملی برای تمام سؤالات ما دارد. این اظهارات موجب استقبال خاخام اوادیا یوسف رهبر معنوی حزب شاس قرار گرفت.

صهیونیست‌ها همیشه ادعای حاکمیت ابدی یهودیان بر تمامی سرزمین فلسطین و حتی بسیاری از مناطق سوریه و اردن و مصر را می‌نموده‌اند و این ادعا بر گرفته از آموزه‌های دینی کتاب‌های مقدس آنان می‌باشد (البته صحت این ادعای تاریخی از سوی محققان امروزی از جمله باستان‌شناسان اسرائیلی روز به روز بیشتر مورد شک و تردید قرار می‌گیرد).

بدیهی است اگر رژیم اسرائیل همچنان بر این موضوع اصرار نماید هرگز شاهد صلح فراگیر و عادلانه نخواهد بود زیرا آنها همچنان بر حقوق تاریخی خود که از عهد عتیق گرفته‌اند اصرار می‌ورزد. در مقابل نقش مسائل اعتقادی در بین فلسطینی‌ها نیز افزایش یافته است و گروه‌های مذهبی مانند حماس و جنبش جهاد اسلامی در حال گسترش نفوذ خود در بین فلسطینی‌ها می‌باشند. فلسطینی‌ها بر این ادعا اشاره می‌نمایند که تمام سرزمین فلسطین وقف و جزئی از دارالاسلام می‌باشد و هرگز هیچ‌کس حق ندارد از یک وجب از آن چشم‌پوشی نماید. در چند سال گذشته تعصبات دینی در اسرائیل افزایش یافته و تندروی یهودی به شدت در حال گسترش می‌باشد و کتاب‌های درسی آموزش و پرورش رسمی این رژیم نقش



عمده‌ای را برای تربیت نسل‌های تندرو بر مبنای آموزه‌های صهیونیستی به عهده دارد.

بعد از پیروزی اسرائیل بر کشورهای عرب در سال 1967 و اشغال سرزمین‌های بیشتری از مناطق عربی جنبش صهیونیستی که تا آن زمان با پوششی لائیک مطرح شده بود کم‌کم از پوشش لائیک خارج و ماهیت درونی خود را نشان داد زیرا در این سال آنها موفق شده بودند تمام بیت‌المقدس را تحت تسلط خود درآورند. درگیری فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها تنها درگیری بین مردم فلسطین و یک دولت اشغالگر نمی‌باشد بلکه یک درگیری بین جامعه‌ای است که دولت اشغالی از آن نشأت گرفته است و ایدئولوژی و سیاست خود را از آن گرفته است. این موارد شامل سرزمین، داستان‌های تاریخی، معتقدات دینی نیز می‌گردد و در واقع درگیری یک درگیری صرف برای سرزمین تلقی نمی‌گردد.

- صهیونیست‌ها همواره در خصوص فلسطین دو مسأله را مطرح نموده‌اند یکی منطقه اشغالی (سرزمین موعود یهودیان است) و دیگر اینکه منطقه اشغالی (سرزمین بدون ساکن) بوده است. اگر رژیم اسرائیل بخواهد از سرزمین‌های فلسطینی عقب‌نشینی نماید این دو اصل صهیونیستی دچار خلل می‌شود. در این رابطه ماجد کیالی نویسنده و محقق معروف فلسطینی می‌گوید: مشکلات زیادی نیز از سوی فلسطینی‌ها وجود دارد از جمله اینکه فلسطینی‌ها وقتی مجبور به پذیرفتن صلح شدند که چاره‌ای دیگر در این خصوص در پیش روی آنان نبود زیرا اتحاد جماهیر شوروی متلاشی شده بود، حامی عربی که بتواند به آنها کمک نماید وجود نداشت و هر روز رنج و دردهای بیشتری را متحمل می‌شدند لذا برای پشت سر گذاشتن فشارهای زیادی که متحمل می‌شدند به امید ساختن آینده‌ای بهتر وارد پروژه صلح و سازش شدند.

صلح از نظر بسیاری از فلسطینی‌ها به مثابه یک عملیات تحمیلی بود که آنها بتوانند به حداقل حقوق خود برسند.

2. شهرک‌های اسرائیلی و گسترش آن

یکی از موانع عمده بر سازش در خاورمیانه را می‌توان مسأله شهرک‌سازی صهیونیست‌ها در فلسطین نامید. شهرک‌سازی و گسترش آن از عقاید صهیونیست‌ها نشأت گرفته است. طی چند دهه گذشته به شدت شهرک‌سازی در مناطق فلسطینی افزایش یافته است. از سال 1967 تاکنون شهرک‌های یهودی نشین در مناطق اشغالی به خصوص در کرانه باختری رود اردن افزایش یافته است و به‌رغم تغییر دولت‌های پی در پی در اسرائیل این اقدام تجاوزکارانه متوقف نشده است به طوری که تا اوایل سال 2009، 151 شهرک یهودی نشین در این منطقه ایجاد شده که از این تعداد 26 شهرک در بیت المقدس قرار دارد. امروز یکی از موانع تشکیل کشور فلسطین حتی در کرانه باختری رود اردن شهرک‌های صهیونیست نشین می‌باشد که با حمایت رژیم اسرائیل توسط تندروران صهیونیست ایجاد شده است در حال حاضر وزارت خانه‌های متعددی در اسرائیل مسؤولیت گسترش شهرک‌سازی را بر عهده دارند، از جمله وزارت مسکن، کار، کشاورزی، امور اجتماعی، دفاع و در دولت قبلی نتانیا هو، وزارت امور زیربنایی نیز برای این امر ایجاد شد. در حال حاضر تعداد شهرک‌های یهودی نشین در کرانه باختری و بیت‌المقدس آنقدر افزایش یافته است که تشکیل دولت فلسطینی را در این مناطق عملاً با مشکل مواجه می‌نماید. جالب است به این نکته اشاره شود که گسترش شهرک‌های یهودی نشین حتی در زمان حکومت رابین که به کیوتر و صلح‌جویی نسبت به دیگر رهبران یهودی اسرائیل معروف بود گسترش شگفت‌انگیزی داشت. با عنایت به اینکه جنبش صهیونیستی یک جنبش سیاسی به حساب می‌آید و در اواخر قرن 19 در اروپا



نشأت گرفت و از جنبش‌های استعماری به حساب می‌آید از ابتدای این حرکت صهیونیست‌ها اساس کار خود را بر مهاجرت و شهرک‌سازی قرار دادند به طوری که از ابتدا فعالیت آژانس صهیونیست در فلسطین اصل را بر شهرک‌سازی و تصرف زمین فلسطینی‌ها و اخراج آنها قرار دادند و اولین فعالیت در این خصوص را سازمان بیکا که ریچارد بلارون در سال 1883 و صندوق عمران یهودی در سال 1889 شروع نمودند. در سال‌های بعد فعالیت‌های شهرک‌سازی رونق بیشتری گرفت و چند وزارت خانه از جمله مسکن، کار، کشاورزی و دفاع مسؤولیت گسترش شهرک‌سازی را برعهده گرفتند و در دولت اول نتانیا هو وزارت امور زیربنایی نیز به این وزارتخانه‌ها اضافه گردید. شهرک‌سازی در فرهنگ سیاسی اسرائیل نیز از اهمیت زیادی برخوردار است به طوری که همه احزاب اسرائیلی برای آن برنامه خاص خود را دارند و احزاب صهیونیست در گسترش شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی یک راهبرد را پیروی می‌نمایند و آن عبارت از گسترش شهرک‌سازی است. گرچه بعضی اختلافات شکلی و تاکتیکی نیز در مقابل هم دارند، زیرا از نظر عقیدتی آنها معتقدند کرانه باختری سرزمین اجداد آنها بوده است و اسم آن در کتاب مقدس (یهودا و سامره) می‌باشد.

حزب کار معتقد است باید گسترش شهرک‌سازی ادامه داشته باشد و شهرک‌ها نقش راهبردی در حفظ امنیت اسرائیل را برعهده خواهند داشت و گسترش شهرک‌ها به جهت گسترش مرزها جهت دفاع بهتر انجام می‌گیرد لذا آنها بین شهرک‌های سیاسی و شهرک‌های امنیتی فرق می‌گذارند و بیشتر به شهرک‌ها با دید امنیتی نگاه می‌کنند.

اما حزب لیکود براساس افکار دینی و عقیدتی معتقد به گسترش شهرک‌سازی است و این عمل را حق قانونی و تاریخی می‌داند. البته بعضی از افکار نیز وجود دارد که

معتقدند فقط شهرک‌سازی باید در بیت‌المقدس صورت گیرد و بعضی معتقد به گسترش آن در تمام مناطق اشغالی می‌باشند.

بعد از پیمان اسلو توسعه شهرک‌سازی ادامه داشت به طوری که یکی از رهبران گروه‌های فلسطینی در دیدار با نویسنده این سطور اظهار داشت که با توجه به کثرت شهرک‌های صهیونیستی در کرانه باختری تمام مناطق فلسطینی‌نشین در محاصره شهرک‌های صهیونیست‌نشین قرار گرفته است و عملاً امکان ایجاد کشور فلسطینی منتفی می‌باشد. در زمان حکومت رابین شهرک‌سازی ادامه داشت و به طور شگفت‌انگیزی بیش از زمان حکومت تندرو لیکود به رهبری اسحاق شامیر رشد و گسترش یافت و حتی افراطی‌نشین‌ترین شهرک‌های واقع در قلب مناطق عمدتاً فلسطینی‌نشین که احتمالاً قرار بود از بین بروند در جای خود باقی ماندند و حتی گسترش نیز یافتند. نتانیا هو در تاریخ 8 دی‌ماه 1388 قبل از سفر به قاهره اعلام نمود ده‌ها منزل در بیت‌المقدس اشغالی ساخته خواهد شد و معنی آن این است که شهرک‌سازی با سرعت ادامه خواهد یافت.

3. حق بازگشت آوارگان فلسطینی

یکی دیگر از مسائلی که مذاکرات صلح خاورمیانه را با پیچیدگی مواجه نموده است مسأله بغرنج حق بازگشت آوارگان فلسطینی می‌باشد. تقریباً هیچ اسرائیلی حاضر نیست این مسأله را بپذیرد که آوارگان فلسطینی بتوانند به سرزمین اصلی خود بازگردند زیرا بازگشت بیش از سه میلیون فلسطینی که در کشورهای اردن، سوریه و لبنان آواره می‌باشند بدین معنی است که معادله جمعیتی به نفع فلسطینی‌ها به هم خواهد خورد و علت وجودی ایجاد کشوری یهودی از بین خواهد رفت. پیمان اسلو یکی از مسائلی که مهمل گذاشته شده مسأله حق بازگشت بود



زیرا در این پیمان هیچ‌گونه اشاره‌ای به قطعنامه 194 سازمان ملل در این خصوص نشده است.

4. مسأله بیت‌المقدس

بیت‌المقدس شهری با قدمت تاریخی و مقدس در ادیان ابراهیمی است که بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر اشغالی و پایتخت مورد مناقشه میان فلسطین و اسرائیل است. جمعیت آن 747/600 نفر (سال ۲۰۰۷) و مساحت آن 125/1 کیلومتر مربع است.

اورشلیم یکی از چهار شهر مقدس یهود محسوب می‌شود و در کنار شهرهای صفد، الخلیل (حبرون) و طبریه، محل سکونت بسیاری از دانشمندان مذهبی یهودی بوده است. این شهر پس از مکه و مدینه سومین شهر مقدس در اسلام و مقدس‌ترین شهر در مسیحیت محسوب می‌شود.

وضعیت اورشلیم یکی از مهمترین موضوعات در مناقشه اسرائیل و فلسطین بوده است، در سال ۱۹۴۷ قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حکومت آینده فلسطین مقرر کرد تا این شهر برای یک دوره ده ساله تحت کنترل هیچ کدام از دو کشور فلسطین و اسرائیل قرار نگیرد و با یک رژیم ویژه بین‌المللی با نظارت سازمان ملل اداره شود. اما این طرح هیچ‌گاه اجرایی نشد. با پایان جنگ ۱۹۴۸ بخش غربی شهر به تصرف اسرائیل و بخش شرقی به تصرف اردن درآمد و اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ بخش شرقی را نیز تصرف کرد.

در ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۸۰ با تأیید کنست پایتختی اورشلیم طبق مرزهای تعیین شده توسط دولت اسرائیل در سال ۱۹۶۷، به یک اصل قانونی در حقوق اسرائیل تبدیل شد. در پاسخ شورای امنیت طی قطعنامه ۴۷۸ در همان سال اسرائیل را برای اتخاذ این قانون سرزنش کرد و تأکید کرد که این مخالف قانون‌های بین‌المللی است و از اطلاق‌پذیری کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو بر بخش غربی

اورشلیم جلوگیری نخواهد کرد، زیرا این شهر جزو فرمانداری اورشلیم تحت قدرت ملی فلسطین قلمداد می‌شود. سازمان آزادی بخش فلسطین مرکزی را در بیت‌الشرق اورشلیم اداره می‌کرد که به دستور وزارت کشور اسرائیل بسته شد.

حاکمیت بر این منطقه که برای هر سه دین ابراهیمی مهم می‌باشد یکی از اختلافات اصلی و از موانع عمده صلح می‌باشد. متأسفانه در چند سال اخیر راهبرد اسرائیل تسلط کامل بر این شهر و تشویق، ترغیب و تهدید فلسطینیان برای ترک این شهر می‌باشد و بارها مقامات اسرائیلی گفته‌اند که اعراب این مناطق شهروندان درجه دوم و سوم می‌باشند بعد از ایجاد اسرائیل در سال 1948 بر سرزمین تاریخی فلسطینی‌ها دولت‌های پی در پی اسرائیل قسمت غربی این شهر مقدس را جزو لایتنجای اسرائیل و پایتخت ابدی اسرائیل به حساب می‌آوردند. در این رابطه بن گوریون می‌گوید: (اسرائیل بدون بیت‌المقدس معنا ندارد چنانکه بیت‌المقدس بدون هیکل بی‌معنی است) بر همین اصول است که اسرائیل هزاران هکتار از سرزمین ساکنان این مناطق را با زور از آنها گرفته و آنها را آواره نموده است و در این سال‌ها ده‌ها شهرک یهودی‌نشین در این منطقه احداث کرده است. طی سال‌های اخیر یهودیان تندرو با این ادعای واهی که هیکل سلیمان در زیر مسجد الاقصی قرار دارد در حال توطئه‌چینی برای منهدم نمودن این مسجد مهم مسلمانان و ایجاد یک معبد یهودی بر روی آن می‌باشند و به‌رغم قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی رژیم صهیونیستی در حال تغییر جغرافیای انسانی و طبیعی این شهر مقدس می‌باشد. بعد از اشغال فلسطین در سال 1947 سازمان ملل طی قطعنامه‌ای فلسطین را به دو بخش تقسیم نمود یکی یهودی و دیگری فلسطینی و بیت‌المقدس را تحت نظر بین‌المللی قرار داد



5- مرزهای فلسطین

یکی از اختلافات عمده بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها موضوع مهم تعیین مرزها است هر چند در پیمان اسلو به این اشاره شده است که حدود این رژیم به مرزهای قبل از اشغال سال 1967 برمی‌گردد اما هنوز این مسأله یک چالش عمده بین دو طرف می‌باشد.

6- تقسیم آب

به طور مرتب رژیم صهیونیستی از منابع طبیعی برای فشار به فلسطینی‌ها استفاده می‌نماید تا بدینوسیله مقاومت مردم را در هم ریزد و آنها را آواره‌تر نماید. در این خصوص مهمترین اقدامی که به عمل آورده است تسلط بر آب منطقه است. در این خصوص از هیچ اقدامی خودداری نکرده با توجه به اینکه منابع آب در این منطقه دچار فقر می‌باشد از یک سو اقدام به سرقت آب‌های منطقه نموده و از سوی دیگر با ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین به مصرف بیشتر آب منجر شده است. ضمناً برای تقسیم منابع آب بین دو طرف اختلافات زیادی وجود دارد.

7- پیمان اسلو

نخستین توافق مهم بین رژیم اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین پیمان اسلو بود که در سپتامبر 1993 توسط عرفات و رابین امضا شد. در این پیمان به رسمیت شناخته شدن اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین توسط یکدیگر و دوره انتقالی پنج ساله که طی آن اسرائیل در حمایت تشکیلات خودگردان -حکومت موقت فلسطینی- تا هنگام تأسیس کشوری مستقل بتدریج از مراکز جمعیتی بزرگ فلسطین خارج می‌ساخت خواستار

می‌شد. پس از پایان دوره انتقالی یک صلح دائمی براساس قطعنامه‌های 242 و 338 شورای امنیت که خواهان عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی در سال 1967 بودند باید انجام می‌گرفت. در مقابل عرفات متعهد می‌شد که اقدامات خشونت‌آمیز علیه اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی پایان دهد و حتی به طور مستقیم با نیروهای امنیتی اسرائیل همکاری داشته باشد. اما این توافقنامه به مسائل بغرنج مسأله فلسطین نپرداخت و همین امر پاشنه آشیل این پیمان بود. از جمله مشخص ساخت که این صلح دائمی باید تأسیس یک کشور مستقل فلسطینی را نیز شامل گردد و مرزهای کشور فلسطینی را مشخص نکرد. نپرداختن به این موضوع در پیمان اسلو اسرائیل را به یکی از اهداف خود رساند زیرا این مسأله کافی بود که سال‌ها مذاکره‌کنندگان را برای بحث در این خصوص دور هم جمع نماید و هر روز مسأله جدیدی مطرح گردد. پیمانی که انتظار می‌رفت موجب فراهم نمودن صلح بین فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی گردد مفاد آن مهمترین مانع روند صلح گردیده است.

جمع بندی

با توجه به مطالب فوق، زیاده طلبی‌های رژیم صهیونیستی و ضعف کشورهای عربی باعث شده که چشم‌انداز صلح در خاورمیانه از هر زمان دیگر در چند دهه گذشته کم‌رنگ‌تر شده و تحولات منطقه دال بر ثبات، استقرار و موفقیت روند سازش نمی‌باشد بلکه دلایل فوق نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه در آینده شاهد افزایش چالش‌ها و جنگ خواهد بود.

سیدموسی علیزاده طباطبایی

نماینده‌گی جمهوری اسلامی ایران - دمشق

